مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ در این صفحه را داشته باشد، باید به همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و حداکثر در ۶۰۰ کلمه با درج عنوان به آدرس politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق به انتشار مطالب‌شان نشده‌ایم، در همین صفحه منتشر خواهد شد.

نتایج هفتم اسفند به روایت آقای مصباحی‌مقدم

ناصر ذاکری: آقای مصباحی‌مقدم، سخنگوی محترم جامعه روحانیت مبارز، چند روز پیش در مصاحبه با سایت خبرآنلاین[1] به ارائه تحلیل و تفسیر خود از نتایج انتخابات مجلس دهم و عوامل مؤثر در آن پرداخته و در مصاحبه اخیرشان با روزنامه آرمان[2] نیز ضمن تأکید بر نظرات قبلی، به بیان شفاف‌تر بخشی از مواضع خود همت گماشته‌اند. نظرات ایشان در دو محور قابل بررسی و تأمل بیشتر است: علت کسب موفقیت نسبی اصلاح‌طلبان و تأثیر سخت‌گیری شورای نگهبان در مرحله بررسی صلاحیت‌ها بر نتایج انتخابات.آقای مصباحی‌مقدم معتقد است اصولگرایان همانند سه دوره گذشته مجلس، در انتخابات دور دهم نیز پیروز میدان رقابت انتخاباتی هستند، اما اصلاح‌طلبان در این دور تحت‌تأثیر سه عامل، وزن بیشتری پیدا کرده‌اند: دعوت رهبری از همه مردم حتی کسانی که نظام را قبول ندارند، دعوت آقای سیدمحمد خاتمی (به روایت ایشان لیدر جریان اصلاحات) از مردم که به «همه لیست» رأی بدهند و استفاده اصلاح‌طلبان از ابزارهای ارتباطی مانند تلگرام و فضای مجازی.

او می‌گوید اصولگرایان پایگاه مردمی خود را از دست نداده‌اند و هنوز هم از حمایت حامیان وفادار خود برخوردار هستند. اما با آمدن افرادی که تاکنون در هیچ انتخاباتی شرکت نداشته‌اند، شرایط به نفع اصلاح‌طلبان تغییر کرد. در این باب نکات زیر قابل‌ذکر هستند:

۱ - ایشان اقرار می‌کند که با افزایش درصد مشارکت، شانس اصولگرایان کاهش می‌یابد و در یک انتخابات با درجه مشارکت بالا بازندگان مطلق خواهند بود. چراکه در یک انتخابات با مشارکت ۶۲ درصد، رقیب ایشان ۱۰۳ کرسی کسب کرده و اگر بقیه واجدان حق رأی نیز وارد میدان می‌شدند، به اقرار ایشان، بنا نبود به اصولگرایان رأی دهند.

۲ - برخلاف تصور ایشان که آمدن رأی‌دهندگان بیشتر به میدان باعث کاهش سهم اصولگرایان شده، باید گفت این ادعا در صورتی ارزش بررسی داشت که میزان مشارکت این دوره افزایش چشمگیری نسبت به انتخابات مجلس نهم داشته باشد. درحالی‌که برعکس درجه مشارکت از ۶۴ درصد در دور نهم به ۶۲ درصد کاهش یافته است. به بیان دیگر «آمدن رأی‌دهندگان جدید» باعث کاهش سهم جناح ایشان نشده است. بلکه گروهی از رأی‌دهندگان در فضای نسبتا رقابتی‌تر انتخابات مجلس دهم، گزینه‌های جدیدی در اختیار داشتند.

۳ - آقای مصباحی‌مقدم معتقد است «لیدر جریان اصلاحات» تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نتایج انتخابات گذاشته است. به بیان دیگر وجود محدودیت‌های رسانه‌ای و تحریم خبری ایشان، به‌گونه‌ای‌که او هم از بیان نام این «لیدر» خودداری می‌کند، نتوانسته است از نفوذ و اقتدار او بکاهد.

۴ - اقرار او به نقش فضای مجازی و تلگرام در توفیق نسبی اصلاح‌طلبان، به‌معنی قبول کاهش شدید دامنه تأثیرگذاری رسانه‌های رسمی و در رأس همه رسانه ملی است. زیرا این‌همه تبلیغ منفی علیه «لیدر» و تلاش برای جاانداختن برخی چهره‌ها که از هر فرصتی برای مطرح‌کردن و بهره‌مندکردن مردم از نظرات مشعشع آنان استفاده می‌شود، نتوانسته است نتیجه مطلوب مدیران رسانه ملی را به دنبال داشته باشد.اما محور دوم سخنان ایشان جالب‌تر است. وی از یک سو می‌گوید سخت‌گیری شورای نگهبان در مرحله بررسی صلاحیت‌ها موجب کاهش سهم اصلاح‌طلبان نشده است. از سوی دیگر می‌گوید اگر آنها «عقلایی‌تر» عمل می‌کردند، می‌توانستند هم پست ریاست‌جمهوری و هم مجلس را در اختیار خود بگیرند، اما تندروی‌هایشان موجب شده صلاحیتشان تأیید نشود. مصباحی‌مقدم می‌گوید «نداشتن مرزبندی دقیق با جریان فتنه» موجب می‌شود چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شوند و به این دلیل شانس موفقیت در انتخابات را از دست می‌دهند.تناقض در سخنان آقای مصباحی‌مقدم در این مورد به‌خوبی آشکار می‌شود. او در مواجهه با سؤال مصاحبه‌کننده که اگر شورای نگهبان در مرحله بررسی صلاحیت نامزدها کمتر سخت‌گیری می‌کرد، نتایج انتخابات بسیار متفاوت می‌شد، به‌ناچار از پاسخ‌گویی شفاف طفره می‌رود. اما نکته جالب‌توجه در سخنان ایشان آنجاست که می‌گوید: «اما باید در نظر گرفت منافع ملی ما مترتب بر چنین سطح مشارکتی بود که ما از این جهت خوشحالیم و نگران نیستیم که در یک دور آنها در تهران به‌طور کامل رای آورده باشند».

ظاهرا آمدن همه اقشار ملت به میدان انتخابات، هرچند به نفع جناح ایشان نیست و پیروزی رقیب را تضمین می‌کند، اما چون در خدمت منافع ملی کشور است، ایشان را خوشحال می‌کند. این ابراز خوشحالی اگر صادقانه بیان شده باشد، جای امیدواری است. اما باید از ایشان پرسید اگر باور دارند که منافع ملی ما در گرو افزایش درصد مشارکت مردم در انتخابات است، برای بالابردن میزان حضور مردم و رسیدن به درصد مشارکت بالاتر از ۸۵ درصد چه رهنمودی دارند؟ آیا حاضرند با نادیده‌گرفتن منافع جناحی برای تحقق این حضور و تضمین بلندمدت منافع ملی کشورمان تلاش کنند؟ آیا حاضرند الزامات این حضور را بپذیرند یا همچنان ترجیح می‌دهند با حضور حداکثری حامیان سنتی خود و حضور حداقلی سایرین و با استفاده از انحصار رسانه‌ای، همچنان سهمی به‌مراتب بالاتر از وزن واقعی جریان سیاسی‌شان در صحنه سیاست و مدیریت کشور داشته باشند؟

۱ - خبرآنلاین، سه‌شنبه ۱۸/ ۳ / ۹۵.

۲ - روزنامه آرمان، دوشنبه ۲۴ /۳/ ۹۵.

امیدوارم بانوان را به خاطر داشته باشید

حمید دهقانی: ۹۵ سال زمان لازم بود تا از حق رأی زنان آمریکا بگذرد و سرانجام نخستین‌زن بتواند تاریخ‌ساز و به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری یکی از دو حزب اصلی آمریکا انتخاب شود. البته این مسیر پرپیچ‌وخم مبارزه تاریخی زنان، به درازای تاریخ ۲۴۰ساله آمریکاست. ابیگیل آدامز، همسر جان آدامز، دومین رئیس‌جمهور آمریکا، در سال ۱۷۷۶ از همسرش خواست در تدوین قوانین به وضعیت زنان توجه داشته باشد؛ او در نامه به همسرش می‌نویسد: «در قوانین جدید که فکر می‌کنم تصویب آنها لازم باشد، امیدوارم بانوان را به خاطر داشته باشید و درباره زنان از اجداد خود سخاوتمندتر و بزرگوارتر باشید». او پیشنهاد می‌دهد که زنان باید حق مشارکت در سیستم جدید دولتی را داشته باشند و علت این امر را ستمگری بالقوه مردان می‌داند.

انتقادها از وضعیت زنان در دوران پساانقلابی افزایش می‌یابد و در یکی از اعلامیه‌های اولیه پس از انقلاب آمریکا، «جودی سارگنت‌موری» این ایده را که دختران باید مد، لوندی‌گری و دلربایی را بیاموزند تا بتوانند شوهری خوب برای یک ازدواج موفق به دست آورند، سخت تقبیح می‌کند. در عوض او بر اجتماعی‌شدن زنان به منظور ارزش‌های مدنی، نه ارزش‌های منحصرا زنانه اصرار می‌ورزد؛ او معتقد است ارزش‌هایی مانند استقلال باید در چارچوب فهم زنان قرار گیرد و ارزش‌های جنسیتی باید به آنها آموخته شود تا متکی به توانمندی‌های خود شوند و زندگی خود را بر این مبنا استوار کنند.

در پهنه دومین بیداری بزرگ، زنان نقش بسزایی در جنبش ضدبرده‌داری ایفا کردند. همان‌طورکه قرن نوزدهم به پیش می‌رفت، در پی آن، درخواست‌ها برای اعطای پایگاه مدنی متناسب با توانمندی‌های زنان افزایش می‌یافت. این درخواست‌ها در شکل آموزش برابر میان زنان و مردان، برابری زنان با مردان در برابر قانون و نهایتا حق رأی، به‌عنوان گام‌هایی به سوی تعمیق نهادی‌کردن گفتمان آزادی‌خواهی درون جامعه مدنی پیش رفت. در برنامه یادبود صدساله زنان که در سال ۱۸۷۶ برگزار شد، مدافعان برابری حقوق زنان و مردان در اعلامیه‌ای عنوان کردند که پایگاه تحقیرشده زنان نقطه‌عطفی در نهادهای امروزی ما به حساب می‌آید. به‌زودی، فمینیست‌های منتقد، اصطلاح پدرسالاری را به کار گرفتند. آنان معتقد بودند نباید اجازه دهیم که روابط اقتدارآمیز و وابسته که میان زن و مرد در چارچوب خانواده صورت گرفته، در حوزه مدنی نیز غلبه کند.

در این مسیر، نسبت میان پایمال‌شدن حقوق زنان و سیاهان، هم‌گرایی‌هایی پیدا می‌کند. در آمریکا همان‌گونه‌که صاحبان مزارع در ایالت‌های جنوبی آمریکا ادعا می‌کردند که اگر برده‌داری نباشد، اقتصاد آمریکا از بین می‌رود، درباره زنان نیز می‌گفتند اگر میان زن و مرد تفاوت نباشد، بنیان خانواده و جامعه از بین می‌رود. تمام این موارد توجیهی برای حفظ قدرت مردان سفیدپوست علیه سیاهان و زنان بود. بر اساس این استدلال بود که برای دهه‌ها سلطه مردان سفیدپوست بر سیاهان و زنان توجیه می‌شد. در نتیجه، به همراه جوشش مطالبات برابری «آمریکاییان آفریقایی‌تبار» در دهه ۱۹۶۰، موج دوم فمینیسم نیز شکل گرفت. حالا زمان آن فرا رسیده بود که دو گروهی که نابرابری میان آنها و مردان سفیدپوست قانونی شده بود، در کنار هم و در یک جبهه قرار گیرند.

سال زنان

در ادامه و در آغاز دهه ۱۹۸۰ شکاف جنسیتی در آمریکا و نقش آن در انتخابات اهمیت پیدا می‌کند. علت این امر موضع‌گیری محافظه‌کارانه ریگان در کارزار انتخاباتی خود در ۱۹۸۰ علیه سقط جنین بود. مخالفت با حق سقط جنین، زنان مجرد را بیش‌ازپیش از جمهوری‌خواهان محافظه‌کار دور می‌کند.

اهمیت رأی زنان در آمریکا از همین زمان آغاز می‌شود؛ به‌صورتی‌که از آن زمان به بعد زنان برای دستیابی به حقوق برابر در انتخابات‌های آمریکا حضور بیشتری پیدا می‌کنند. در انتخابات‌های اخیر آمریکا، میزان مشارکت زنان ۵۴ درصد بوده؛ یعنی نزدیک به ۸.۵ میلیون بیشتر از مردان در انتخابات شرکت کرده‌اند. این مشارکت مقدمات حضور بیشتر زنان نه‌تنها به‌عنوان انتخاب‌کنندگان بلکه به‌عنوان انتخاب‌شوندگان را فراهم می‌کند.

در انتخابات سال ۱۹۹۲ شمار زیادی از زنان توانستند وارد سنا شوند و به همین خاطر آن سال را «سال زنان» نامیدند. بیل کلینتون در هر دو انتخابات به‌ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۹۶ با توجه به تغییر الگوی خانواده و شکاف جنسیتی موجود در آمریکا و با تأکید بر اهمیت زنان در جامعه، توانست بر اساس رأی و حمایت زنان به پیروزی دست یابد. او در رقابت‌های انتخاباتی خود به جای تکیه بر نمادهای مردانگی و سلطه‌گرانه بوش، بیشتر بر حس مراقبت و همدردی با مردم تأکید داشت و در یکی از شعارهای مهم انتخاباتی خود عنوان کرد: «من درد شما را احساس می‌کنم»، شعاری که حمایت شمار زیادی از مردم صلح‌طلب به‌ویژه زنان را با خود همراه کرد. نقش زنان در انتخابات آمریکا همچنان پررنگ است به‌طوری‌که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ آمریکا اوباما با رأی زنان حامی کلینتون، پیروزی خود را نهایی کرد.

به‌بستان میان ۲ نیروی تحول‌خواه

جنگ قدرت در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸ جنگ میان نژاد و جنسیت بود. دو نیروی تحول‌خواه دهه ۱۹۶۰ یعنی مدافعان نبود تبعیض نژادی و نبود تبعیض جنسیتی حالا در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند. اوباما به‌عنوان نماینده رفع تبعیض نژادی و کلینتون به‌عنوان نماینده رفع تبعیض جنسیتی بازنمایی شدند. در این جنگ درون‌گروهی میان دموکرات‌ها، عامل نژاد بر جنسیت غلبه کرد و سپس دو نیروی تحول‌خواه در مبارزه با مک‌کین (مرد سفیدپوستی که نماد تبعیض نژادی و جنسیتی بود) هم‌پیمان شدند و با پیروزی نخستین رئیس‌جمهور سیاه‌پوست، یکی از نتایج تاریخی انتخابات آمریکا را رقم زدند. اکنون، پس از هشت سال به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده که مدافعان رفع تبعیض نژادی به حمایت از نماینده رفع تبعیض جنسیتی در برابر ترامپِ ضدزن و نژادپرست روی آورند.

به همین دلیل، مهم‌ترین مسئله انتخاباتی در این دور از رقابت‌های آمریکا در کنار مسئله اقتصاد، حول مسئله تبعیض جنسیتی خواهد بود. هر اندازه مسئله تبعیض جنسیتی در این انتخابات برجسته‌تر شود، شانس کلینتون برای پیروزی بیشتر خواهد شد.

پیروزی در این دور از رقابت‌های انتخاباتی آمریکا در گروی این است که چه کسی می‌تواند رأی زنان را به دست آورد. به نظر می‌رسد با توجه به حماقت‌های ترامپ و موضع‌گیری‌های ضدانسانی او، کلینتون به‌عنوان نماینده حزب دموکرات هر سه پایگاه اصلی دموکرات‌ها یعنی، سیاهان، لاتین‌تبارها و زنان را با خود همراه دارد. آیا پس از ۲۴۰ سال، هیلاری کلینتون می‌تواند در صورت انتخاب‌شدن به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور زن، رؤیای ابیگیل آدامز را درباره برقراری تساوی حقوق میان زنان و مردان محقق کند.

ادامه از صفحه۳

روزی که رئیس دولت اصلاحات غش کرد

اصلا دور اول هم نمی‌خواست بیاید، به اصرار ما و به اصرار دوستان بود. چقدر جلسه داشتیم که راضی نمی‌شد بیاید، می‌گفت دست از سرم بردارید، اصلا او اهل این حرف‌ها نبود، دور دوم هم نمی‌خواست بیاید.

- در زمینه توسعه سیاسی رئیس دولت اصلاحات سعی کرد قانون شوراها را به اجرا بگذارد و شوراها را تشکیل بدهد و من خودم هم از سمت مشاور رئیس‌جمهوری استعفا دادم و به شورا رفتم. شورایاری بر محله‌ها و شوراها ثمره کار ما بود. همچنین ان جی او ها به وجود آمدند و یک‌سری کارهای مهم هم برای مبارزه با فساد انجام شد که هنوز آشکار نشده و باید مقاله بنویسم و افشا کنم که چه کارهایی انجام شد و هنوز کسی خبر ندارد. مبارزه با فساد زمان دولت اصلاحات به‌خوبی شروع شد، جدی و تئوریک هم بود و کار علمی و عملی بسیاری روی آن انجام شد. به شایسته‌سالاری کم‌وبیش توجه شد، ما آماری از کارکنانمان نداشتیم و مشخص نکرده بودیم که بگوییم برای فلان پست چه ویژگی‌هایی لازم است و نسبت پست و کیفیت فلان فرد معلوم نبود و بعضی جاها از دستمان در رفت، پست‌هایی به افرادی داده شد که ضعیف بودند و نمی‌کشیدند، این از نقطه‌ضعف‌های دوران ما بود.

- من خیلی انتقاد به رئیس دولت اصلاحات داشتم، من که مشاور او بودم آشکارا انتقاد می‌کردم. ما در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم هم اشتباه داشتیم و به اشتباه رأی‌ها بین معین و کروبی و کاندیداهای دیگر متفرق شد. باید یک کاندیدا می‌دادیم. حزب ما بی‌جهت آقای معین را کاندیدا کرد، اما حزب این تصمیم را گرفت و من هم از آقای معین دفاع کردم، اما من خودم مخالف بودم با این موضوع. باید آقای کروبی را راضی می‌کردند که یک کاندیدا بدهیم.

یا اشتباه دیگر درباره تحکیم وحدت بود، طیف شیراز و علامه در تحکیم نباید دعوا می‌کردند، چرا دعوا کردند؟ چه فایده‌ای داشت؟

- اصلاح‌طلبان در کارهایشان باید بازنگری کنند، باید تلاش کنند بعضی جریانات شبه‌اصلاح‌طلب را کم‌کم به راه خودشان بیاورند؛ چون بعضی جریانات فقط ادعا دارند که اصلاح‌طلب‌اند؛ باید استانداردهایشان را بالا ببرند. اصلاح‌طلبی قواعدی دارد، سازمان‌های اصلاح‌طلب افول کرده‌اند، نه سال به سال اطلاعیه و بیانیه می‌دهند، نه کنگره دارند، نه رأی‌گیری دارند، نه نقدی و نه حرفی. باید تلاش کرد و این موارد را استاندارد کرد.

- بعضی‌ها معتقدند رأی مردم به آقای احمدی‌نژاد ثمره اقدامات دولت اصلاحات بود، در این مورد من مقاله‌ای دارم تحت عنوان «حاشیه علیه متن» که توصیه می‌کنم مطالعه کنید. رئیس دولت اصلاحات چقدر نفت داشت؟ چقدر بودجه و پول داشت؟ با آن شرایط کارنامه‌اش از نظر من خوب است، اما مشکل بی‌آبی و کمبود بودجه باعث شد بخش عظیمی از شهرهای ما دچار حاشینه‌نشینی شوند و هسته‌شان کوچک و حاشیه بزرگ شود. حاشیه خطرناک است و حاشیه استعداد دارد که به سمت جنبش بناپارتی برود.

- مقاله‌ای دارم با عنوان «۱۸ خرداد آری، ۱۸ برومر نه»، همان موقع پیش‌بینی کردم اگر ۱۸ خرداد و زمانی که دور دوم دولت اصلاحات بود، مردم پای صندوق نیایند گرفتار یک وضعیت بناپارتی می‌شویم و گفته بودم صدای پای احمدی‌نژاد می‌آید و پیش‌بینی می‌کردیم که ممکن است او بیاید. در انتخابات اخیر وضعیت شیراز خوب بوده، اما آیا حاشیه‌هایش هم خوب بوده؟ شهرهای دیگر استان فارس چطور بوده؟ خوزستان را نگاه کنید، خراسان را ببینید، اصفهان را ببینید، نتایج در حاشیه‌ها بد بوده است. راهکار مقابله با این خطر و تکرارنشدن چنین اتفاقاتی، توسعه، توسعه و توسعه‌یافتگی است! مشکل ما توسعه‌نیافتگی است. درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، ضریب جینی باید بهتر بشوند.

- هنوز نرخ رشد بالا نیست و مشکل بی‌کاری وجود دارد. این را آقای روحانی باید برطرف کند. بی‌کاری هم با این نرخ رشد حل نمی‌شود، نرخ رشد حداقل باید پنج درصد باشد، آن هم مداوم و ثابت. این هدف پول و ارز می‌خواهد، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارد، سرمایه‌گذاری خارجی امنیت می‌خواهد، روحانی باید امنیت ایجاد کند و تا شرایط نرمال نشود، امنیت برقرار نمی‌شود. سرمایه‌گذار در شرایط فعلی کشور نخواهد آمد. شما نگاه کنید سفارت سعودی را می‌گیرند چقدر ما آسیب می‌بینیم، عربستان سعودی الان با ما عملا وارد جنگ شده، چقدر ضربه خوردیم ما بابت سعودی. [پیامک زدند] این برج بازنشسته‌های نیروهای مسلح حقوق ندارند، دولت پول ندارد حقوق بدهد، برج دیگر پول ندارند به کارگرها بدهند، من نگران این هستم که کم‌کم مشکلات جدید بر سر روحانی آوار بشود. آقای روحانی خیلی تحت فشار است. روحانی باید بفهمد که خودش باید پای کار بایستد، حتما از ابتدا می‌دانست که این‌طور می‌شود و این مشکلات هست و نمی‌تواند شانه خالی کند.

نکته

بعضی‌ها معتقدند رأی مردم به آقای احمدی‌نژاد ثمره اقدامات دولت اصلاحات بود، در این مورد من مقاله‌ای دارم تحت عنوان «حاشیه علیه متن» که توصیه می‌کنم مطالعه کنید

آینه

کیهان

رازادبار به جای اقبال

● **حسین شمسیان:** نگاهی به ماجرای حقوق‌های چندده و حتی چندصدمیلیونی برخی مدیران دولت یازدهم، حقایق تلخی را آشکار می‌کند. همه می‌دانیم با وجود خیل عظیمی از کارمندان و مدیران پاکدست، حلال‌خور و خدوم در بدنه اداری کشور، افرادی بیت‌المال را غنیمت دانسته و به آن دست‌درازی کرده‌اند و می‌کنند. این عده افزون بر آنکه آبروی آن همه انسان شریف و خدوم را لکه‌دار می‌کنند، آبرو و اعتبار دولت را هم مخدوش کرده و از کیسه اعتماد عمومی که بزرگ‌ترین پشتوانه هر دولتی است، به‌ناروا برای خود خرج می‌کنند. در چنین شرایطی چه باید کرد و چگونه می‌توان اعتماد مردم را حفظ کرد؟ جواب یقینا چندان پیچیده و پنهان نیست. همان کاری که امام‌علی (ع) از ما خواسته‌اند، یعنی کوتاه‌کردن دست غارتگر. یقینا واکنش قاطع و محکمی از این دست، نه‌تنها باور و اعتماد عمومی را حفظ می‌کند، بلکه به تقویت آن هم کمک می‌کند. اما در عمل چه اتفاقی افتاد!؟ در عمل مردم با مواضع و رفتارهای متناقضی مواجه هستند که معلوم نمی‌کند بالاخره رفتار دولت با متخلفانی از این دست چیست!؟ به‌خصوص آنکه برخی متخلفان، به نحوی از انحا نزدیکی بیشتری با برخی مقامات دولتی دارند. از یک سو، با دستور رئیس‌جمهور محترم مواجه هستیم که شناسایی افراد و پیگیری موضوع را از معاون اول خود خواسته است و مردم با خود می‌گویند مگر این افراد شناخته‌شده نیستند!؟ پس این فیش‌های حقوقی که منتشر می‌شود، صاحب ندارد!؟ اما در همان فرمان، رئیس‌جمهور موضوع را به گردن دولت قبل انداخته و آن را میراثی از آن دوران می‌داند! مردم با خود می‌گویند یعنی شخصی سه سال حقوق چندده‌میلیونی گرفته و متوجه نبوده و اکنون ناگهان متوجه شده که دولت قبل چه دام مخوفی برای گرفتارکردن او گسترده است!؟

ایران

اثبات وجود سیاسی با تخریب

● **صادق زیباکلام:** اشاره روز گذشته سخنگوی دولت به اتاق‌های فکر ضددولت، آن هم یک روز پس از ۲۴ خرداد- سالروز پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری- در حکم توضیح واضحات است. مروری بر آنچه در سه سال گذشته روی داد، نه‌تنها تأییدکننده این گزاره است، بلکه نشان می‌دهد مخالفان دولت، به‌سهولت حاضرند به بهای خدشه‌دارکردن کارنامه دولت، منافع و مصالح ملی را زیر پا بگذارند. شگفت‌انگیزتر اینکه این شیوه‌های خلاف اخلاق از سوی کسانی دنبال می‌شود که خود را مدعی ارزش‌مداری می‌خوانند. انتشار فهرست حقوق برخی از مدیران، گواه این ادعاست. برجسته‌سازی فیش حقوقی برخی مدیران- که ریشه آن در دولت سابق بوده و در دولت یازدهم ادامه پیدا کرده است- به‌گونه‌ای در رسانه‌های این جریان مطرح می‌شود که گویی این پرداخت‌ها، دقیقا بعد از ۲۴ خرداد ۹۲ آغاز شده است. ناگفته پیداست که پرداخت این مبالغ قابل‌دفاع نیست، اما سؤال اساسی که مخالفان دولت به آن پاسخ نمی‌دهند، این است که پرداخت‌ها از چه زمانی آغاز شده است؟ و آیا همه این شیوه‌های پرداختی، درست از ۲۵ خردادماه ۱۳۹۲ آغاز شده است و پیش از آن، هیچ نمونه مشابهی وجود نداشته است؟ مهم‌تر اینکه نوع برخورد دولت فعلی با این مسئله برخلاف موارد مشابه در دولت قبل، منطقی می‌نماید که بدون پنهان‌کاری دستور بررسی و برخورد می‌دهد.

اعتماد

عملیات گروه‌های تخریبی، چرا و چگونه؟

● **مرتضی مبلغ:** تا این زمان از گذشت عمر دولت رفتارها به‌گونه‌ای بوده که می‌توان به سازماندهی آن در اتاق‌های عملیاتی فکر کرد. سخنان دیروز سخنگوی دولت در جمع اصحاب رسانه با عنوان شنبه‌های اتاق فکر نشان می‌دهد که پیش‌بینی همه ما واقعیت داشته است. این افراد با برخورداری از قدرت و ثروت آسیب‌های زیادی را به جامعه، کشور و نظام وارد کرده و خواهند کرد و اصلا هم معلوم نیست چگونه از حاشیه امنی برخوردار هستند که هیچ‌گاه برخورد لازم با آنان صورت نمی‌گیرد. آنچه شاید نگرانی‌هایی را در بین حامیان دولت و اصلاح‌طلبان ایجاد کند، تأثیرگذاری آن در سطح جامعه است. اما جامعه و مردم به سطحی از بلوغ سیاسی رسیده‌اند که نه‌تنها عملیات روانی تأثیری آن‌چنانی بر آنها ندارد بلکه اثر معکوس هم دارد. دلیل اصلی این نظر هم همان انتخابات هفتم اسفندماه است. جایی که دوسال‌ونیم از تلاش گسترده گروه‌های تخریبی گذشت اما هیچ نتیجه‌ای عایدشان نشد. علیه اصلاح‌طلبان و حامیان دولت بداخلاقی‌ها شد تا بتوانند نظر مردم را از دولت برگردانند اما شکست خوردند. این اقدامات هرچند تأثیری بر آرای مردم نداشت اما آثار منفی آن برای جامعه باقی خواهد ماند و بیشترین ضربه را به انقلاب و نظام زده و فرصت دولتمردان در جهت خدمت‌رسانی را می‌سوزاند. با ایجاد فضای سیاه‌نمایی این جریانات نشان دادند تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد منافع ملی بوده و منافع جناحی اصل برگشت‌ناپذیر اقدامات آنان است.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اعتماد

● پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت حضرت آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی
● وزارت ارشاد از اکران فیلم «نقاب» عذرخواهی کرد
● پاسخ منفی به رابطه ورزشی - سیاسی با آمریکا از سوی کمیته ملی المپیک اعلام شد
● شعارهای وزیر بازرگانی برای وزارت بازرگانی؛ میرکاظمی: خروج دولت از بازار ضروری است
● موضع‌گیری شورای نگهبان در دقیقه ۹۰: نرخ سود به ما ربطی ندارد
● تغییر در مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سردار از ستاد رفت

ایران

● حضرت آیت‌الله العظمی فاضل‌لنکرانی دار فانی را وداع گفت
● محمدجواد لاریجانی: استراتژی هسته‌ای دولت نهم باید مبنای دولت‌های قبلی قرار می‌گرفت
● احمدی‌نژاد و محمداف: ایران و ترکمنستان در مسیر گسترش روابط گام برمی‌دارند
● تقدیر فیروزآبادی از رئیس‌جمهور به خاطر سفرهای استانی
● کدخدایی در پاسخ به نامه بانک مرکزی: شورای نگهبان مسئولیتی در تعیین نرخ سود ندارد
● بازگشت لایحه مبارزه با پول‌شویی از مجمع تشخیص مصلحت به مجلس
● مشعل: همکاری حماس با محمود عباس ادامه می‌یابد

کیهان

● رهبر معظم انقلاب با صدور پیام تسلیتی فرمودند: ارتحال آیت‌الله فاضل‌لنکرانی ضایعه‌ای سنگین برای حوزه‌های علمیه و ملت ایران است
● تأکید رهبر معظم انقلاب بر گسترش روابط ایران و ترکمنستان
● سخنگوی وزارت امور خارجه: ایران تحولات غزه را با حساسیت ویژه پیگیری می‌کند
● با حضور رئیس‌جمهوری سیاست‌های حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی تصویب شد
● کدخدایی: شورای نگهبان درباره نرخ سود بانکی اظهارنظر نمی‌کند
● رئیس ستاد کل نیروهای مسلح: سفرهای استانی دولت، نویدبخش برکات گسترده در کشور است

آفتاب

● مخبر کمیسیون امنیت ملی مجلس: تلاش آمریکایی‌ها بسته‌نشدن پرونده ایران در شورای امنیت است
● سخنگوی وزارت خارجه: ایران گروه‌های فلسطینی را به اتحاد دعوت می‌کند
● آغاز احداث بزرگ‌ترین سیلوی جهان در ورامین با حضور سفیر انگلیس
● سلطانیه: نباید توقف ساخت رآکتور آب سنگین را به بحث تعلیق ربط داد
● سخنگوی حزب‌الله: مردم اصولگرایان تازه‌وارد را به موزه فرستادند
● رئیس ستاد پردازش و رسیدگی به نامه‌های ریاست‌جمهوری: تاکنون به هفت میلیون نامه مردم از سوی رئیس‌جمهور رسیدگی شده است

جمهوری اسلامی

● رهبر معظم انقلاب: حوزه علمیه یکی از استوانه‌های علمی و تحقیقی و ملت ایران یکی از مراجع انقلابی و بیدار خود را از دست داد
● رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز استعفا داد
● شورای نگهبان از پاسخ‌گویی درباره فرمول محاسبه نرخ سود بانکی خودداری کرد
● ملکه انگلیس به سلمان رشدی لقب «شوالیه» داد
● افشای توطئه جدید آمریکا علیه ترکیه
● در اعتراض به هتک حرمت حرم امامین عسکریین، دعوت مقتدی صدر از مردم عراق برای راهپیمایی به طرف سامرا

اطلاعات

● رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهوری ترکمنستان: پیشرفت غرب مرهون دستاوردهای علمی مسلمانان است
● در پی درگذشت آیت‌الله‌العظمی فاضل‌لنکرانی، دولت سه روز در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کرد
● استقبال حماس از تشکیل کمیته حقیقت‌یاب درباره بحران غزه
● ضمن مخالفت با هرگونه درگیری داخلی، ایران گروه‌های فلسطینی را به اتحاد و همدلی فراخواند
● سلطانیه: تعلیق فعالیت هسته‌ای ایران موضوعیت سیاسی، حقوقی و فنی ندارد